

تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی (مطالعه‌ی موردی: دهستان‌های بناجوی شرقی و شمالی شهرستان بناب آذربایجان شرقی)

خدیجه بوذرجمهری*، استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

حمید شایان، دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

فخری صادقی، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

چکیده

هدف اصلی این پژوهش شناسایی نقش زنان روستایی در توسعه بخش کشاورزی شهرستان بناب و شناسایی متغیرهای اثرگذار (عوامل فردی، خانوادگی، سازمانی) بر میزان مشارکت آنان در فعالیتهای مختلف کشاورزی است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و براساس مطالعات پیمایشی و کتابخانه‌ای، اطلاعات لازم جمع‌آوری و مورد توصیف و تحلیل آماری قرار گرفته است. با فرمول کوکران، ۳۵۳ زن روستایی فعال در امور مختلف کشاورزی، از ۸ روستای نمونه دهستان بناب، به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفتند. برای توصیف و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS و آزمون‌های t تک نمونه‌ای، t استودنت و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصله حاکی از آن است که زنان در امور زراعی و در مرحله برداشت مشارکت بیشتری دارند و برخی از عوامل چون فردی، خانوادگی و سازمانی، مانع از مشارکت زنان روستایی در امور کشاورزی شده است.

واژگان کلیدی

کشاورزی زنان روستایی، مشارکت زنان، کلاس‌های آموزشی و ترویجی، شهرستان بناب

۱- مقدمه

مطالعات و مشاهدات انجام شده در زمینه‌ی زنان روستایی حاکی از آن است که زنان کشاورز با داشتن تجربه و دانش بومی در زمینه تولید محصولات غذایی، نقش بسیار مهمی در کشاورزی به عهده دارند. اکثریت کشاورزان معیشتی جهان را زنان تشکیل می‌دهند که تولید ۵۰ تا ۶۰ درصد غذای جهان را به عهده دارند (شاهرودی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴۴). در بیان اهمیت نقش زنان روستایی در تولید، همین بس که بدانیم یکی از دستاوردهای کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد برای «دهه‌ی زن» که تحت عنوان «تساوی، توسعه و صلح» در سال ۱۹۸۰ در نیویورک برگزار شد، این بود که دو سوم از کل کار انجام شده در جهان، توسط زنان انجام می‌شود که بیشتر این کار را هم زنان روستایی انجام می‌دهند (حاتمی، ۱۳۸۲: ۴). براساس گزارش سازمان ملل، هر چند در روستا زنان ۴۹ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، اما ۶۵ درصد فعالیتهای بخش کشاورزی روستاها توسط آنان انجام می‌گیرد (Olawoye, 1985: 35). میزان مشارکت زنان روستایی در تولید برنج ۶۵ درصد، پنبه بیش از ۶۰ درصد، سبزی و صیفی جات ۸۰ درصد و در دامداری ۴۹/۸ درصد برآورد شده است (حیدری و جهان‌نما، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

طبق آمار سرشماری سال ۱۳۸۵ سهم زنان روستایی کشور ما در اشتغال حدود ۱۳ درصد اعلام شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶: ۱۳۱) اما واقعیت انکار ناپذیر این است که زنان روستایی به طور متوسط حدود ۴۰ درصد نیروی کار در فعالیتهای کشاورزی را تامین می‌کنند؛ ولی نقش و کار آنان در دیدگاه‌ها و مباحث جامعه‌شناختی روستایی پنهان مانده است (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۲۱۱). نادیده گرفتن سهم زنان روستایی ایران در فعالیتهای اقتصادی خانواده، و هم چنین در ارزش افزوده‌ی ایجاد شده در بخش کشاورزی، سبب گردیده است تا تاثیر ارزش کار آن‌ها در محاسبات ملی در نظر گرفته نشود (مهربانیان و موذنی، ۱۳۸۶: ۸۹). از آنجایی که رویکردهای مشارکتی به توسعه از اوایل دهه‌ی ۹۰ مورد توجهی فزاینده قرار گرفته و اهمیت مشارکت، هم به عنوان یک وسیله و هم به عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار تاکید شده است (زرآفشانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۸). در چنین توسعه‌ای، زنان به عنوان نیمی از افراد به مشارکت فرا خوانده می‌شوند (صفری شالی، ۱۳۸۷: ۱۳۹) زیرا دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از عرصه‌های خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست (Gobayan, Hakobian, 2005: 14). برای رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی و برای گذار از کشاورزی سنتی به پیشرفته و افزایش تولیدات و بهره‌وری محصولات کشاورزی، سیاست‌گذاران بخش روستایی باید به نقش و جایگاه زنان در توسعه‌ی بخش کشاورزی توجهی ویژه داشته باشند، و با تجهیز و توانمندسازی این منبع با ارزش انسانی امکان رسیدن به توسعه‌ی کشاورزی را آسان‌تر نمایند (حیدری و جهان‌نما، ۱۳۸۲: ۱۲۸).

مقاله حاضر حاصل تحقیقات پژوهشی است که در شهرستان بناب و در خصوص زنان روستایی آن انجام گرفته است. مطالعات نشان می‌دهد زنان روستایی منطقه علاوه بر انجام فعالیتهای خانه‌داری، در فعالیتهای مختلف کشاورزی و صنایع دستی نیز مشارکت دارند، اما میزان آن و عوامل تاثیرگذار بر مشارکت آنان ناشناخته مانده است. بنابراین اهداف پژوهش عبارت است از شناسایی و میزان مشارکت زنان روستایی شهرستان بناب در فعالیتهای کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن. در این راستا پرسش‌های تحقیق به شرح زیر مطرح می‌گردد:

۲- پرسش‌های تحقیق

- ۱- میزان مشارکت زنان روستایی محدوده مورد مطالعه در کشاورزی چگونه است و در چه بخش‌هایی فعال‌ترند؟
- ۲- عوامل تاثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی کدامند؟

۳- ادبیات موضوع

از اوایل دهه ۱۹۷۰ به بعد نقش زنان در توسعه کشاورزی و روستایی مورد توجه قرار گرفته است و اکنون برای اکثر سازمان‌ها و برنامه‌ریزان امور توسعه در سطح جهان و کشورهای در حال توسعه به صورت یک اولویت در آمده است. به نقش زنان روستایی کشور در توسعه کشاورزی ایران هم از اوایل دهه ۱۳۷۰ توجه شده و فعالیت‌ها و پژوهش‌های نیز در این راستا انجام گرفته است؛ از جمله دفتر زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی، طرح توانمندسازی زنان روستایی را برای حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف بخش کشاورزی سرلوحه کار خود قرار داده تا امکان حضور بیشتر زنان روستایی در توسعه بخش کشاورزی فراهم آید. در اینجا به برخی از تحقیقاتی که اخیراً در زمینه مشارکت زنان و عوامل موثر بر آنها انجام گرفته اشاره می‌شود:

اور هالت (۱۹۹۵) در تحقیقات خود در سطح بین‌المللی به این نتایج رسیده است که زنان روستایی نقش مهمی در تولید محصولات معیشتی جهان ایفا می‌کنند (Overholt, 1995). گوبایان و هاگوبیان (۲۰۰۵) و بوچوی (۲۰۰۵) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که برای توسعه کشاورزی و توسعه پایدار باید راه‌های مشارکت و موانع مشارکت زنان روستایی در امور کشاورزی مطالعه و توانمندسازی آنها برای شرکت در فرآیند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری آغاز شود (Gobayan, Hakobian, 2005, Botchway, 2001).

الهه مهربانیان و مولائی (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «نقش زنان در توسعه کشاورزی کشورهای آسیایی» بیان می‌کنند که علی‌رغم مشارکت وسیع زنان روستایی کشورهای آسیایی در تولید، جایگاه اقتصادی آنها به دلیل باورهای سنتی و عرفی جوامع و نیز فقدان مقررات و قوانین لازم ناشناخته مانده که برای حل این مساله علاوه بر تغییر نگرش جوامع، حمایت ارگان‌های رسمی و دولت‌ها ضروری می‌باشد.

غلامحسین حسینی‌نیا و ملک محمدی (۱۳۸۰) در مقاله‌ی «بررسی نگرش زنان روستایی به فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، محیط روستا و برنامه‌های آموزشی - ترویجی» به بررسی نگرش زنان روستایی نسبت به فعالیت‌های اقتصادی فوق در محیط روستا، و برنامه‌های آموزشی - ترویجی پرداخته‌اند.

سامع‌پور (۱۳۸۱) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خویش به این نتیجه رسیده است که گرچه زنان نقشی اساسی در ممانعت از فقر مطلق خانوارهای روستایی دارند؛ لیکن از این طریق، خانوارهای روستایی به زندگی با کیفیت نازل اکتفا می‌کنند. زیرا زنان بیشتر در تولید محصولات معیشتی و مصرفی خانوار فعال هستند.

خدیجه بوذرجمهری (۱۳۸۳) در رساله‌ی دکتری خود با عنوان: شناخت و تحلیل دانش بومی زنان روستایی شهرستان نیشابور و تأثیر آن بر کشاورزی پایدار، به این نتیجه رسیده است که زنان کشاورز منطقه مشارکت زیادی در امور کشاورزی دارند و این امر از دانش و تجربیات بومی و نقش‌های جنسیتی آنها ناشی می‌گردد.

سعید فعلی، توسلی و پزشکی‌راد (۱۳۸۵) در مقاله ای با عنوان «نقش زنان روستایی در کاهش ضایعات محصولات کشاورزی» به نقش زنان روستایی در تولیدات کشاورزی و جایگاهی که آموزش زنان در کاهش ضایعات دارد، پرداخته است.

علی اصغر شاهرودی و دیگران (۱۳۸۵) در مقاله‌ی «تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار کشاورزی» به این نتیجه رسیده‌اند که زنان روستایی نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها بر عهده دارند و مشارکت آنان در فعالیتهای کشاورزی قابل توجه است.

محمدی یگانه و احمدی (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «توسعه پایدار روستایی با تاکید بر نقش زنان» به این مطلب اشاره کرده‌اند که باوجود مشارکت زیاد زنان در امور کشاورزی، نقش آنان همواره به صورتی پنهانی و نامرئی باقی مانده است.

خدیجه بوذرجمهری و فریده نایب‌زاده (۱۳۸۸) در مقاله «ارزش‌یابی طرح تسهیل‌گران زن روستایی در ایجاد ارتباط دوسویه و افزایش مشارکت زنان روستایی در عرصه‌های مختلف توسعه روستایی در دهستان مازول شهرستان نیشابور» به این نتیجه دست یافته‌اند که این طرح در افزایش میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی موثر نبوده است. از علل عمده آن سطح سواد پایین زنان روستایی و عدم مطابقت دوره آموزشی و ترویجی با نیازهای واقعی آنان می‌باشد.

کیومرث زرافشانی و دیگران (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی براساس نردبان مشارکت شری ارنستین در شهرستان سنقر استان کرمانشاه» به این نتیجه رسیده‌اند که بین مشارکت زنان روستایی در سطوح مختلف تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد و انجام نیازسنجی مناسب، تقویت تشکلهای زنان و استفاده از رسانه‌های جمعی به منظور آگاه‌سازی زنان در ارتباط با توانمندی‌های آنان ارائه داده‌اند.

فضیله خانی و منیژه احمدی (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی - اجتماعی در مناطق روستایی چیر- یامچی شهرستان زنجان» به این نتیجه دست یافته‌اند که با ارتقای سطح تحصیلات زنان روستایی، انتظارات آنان از مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها نیز افزایش می‌یابد و هر قدر میزان مشارکت اقتصادی آنان بالاتر باشد، میزان تصمیم‌گیری افزایش می‌یابد و بالعکس.

با وجود تحقیقات نسبتاً گسترده‌ای از این دست، ولی هنوز در بسیاری از مناطق کشور از جمله در منطقه مورد مطالعه با وجود فعالیتهای قابل توجه زنان روستایی در کشاورزی، متأسفانه تاکنون مطالعاتی درخصوص فعالیتهای و مشارکت آنان در کشاورزی انجام نگرفته است و لذا نقش آنان در تولیدات روستایی پنهان مانده است.

۴- مبانی نظری

زنان روستایی هم در تولید کشاورزی و دامی سهم عمده ای دارند و هم نقشی خاص در خانه‌داری ایفا می‌کنند. زن روستایی معمولاً در همه‌ی کارهایی که مرد روستایی (با رعایت ملاحظات تقسیم کار) انجام می‌دهد، مشارکت دارد، اما مرد روستایی در انجام همه‌ی کارهایی که زن روستایی انجام می‌دهند مشارکت ندارد. زنان روستایی اگر چه نقش کلیدی در بسیاری از امور مربوط به تولید و توسعه مانند تأمین امنیت غذایی، پایداری محیط زیست، کاهش فقر و.. به عهده دارند، ولی کماکان آمارهای دقیقی از میزان مشارکت

واقعی آنان و جود ندارد و نقش آنان همواره به صورت پنهان باقی مانده است و جای تاسف بیشتر آن که این نقش‌ها را نه خود و نه دیگران و نه برنامه‌ریزان کشاورزی باور دارند و همچنان به عنوان شرکای «نامرئی» هستند (محمدی یگانه و احمدی، ۱۳۸۶: ۱۸۶). زیرا در نظام‌های اقتصاد سنتی و بهره‌برداری‌های خانوادگی، مشارکت زنان در کشاورزی جزو وظایف آنان است و پاداش اقتصادی دریافت نمی‌کنند (ترکمانی و میرزایی، ۱۳۷۷: ۸۲). به منظور بهبود وضعیت زنان روستایی، از یکسو توجه به نقش جنسیتی آنان در برنامه‌ریزی‌های کشاورزی اهمیت دارد (Simpson, 1994) و از سوی دیگر ضرورت استقرار ارزش پولی بر کار غیر بازاری زنان باید از سوی برنامه‌ریزان مورد تاکید قرار گیرد (Armstrong, 2001: 7).

در برابر مشارکت زنان روستایی در امور مختلف تولیدی، موانع و مشکلات فراوانی نیز وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عوامل فردی (سطح سواد پایین، کمی اطلاعات و آگاهی‌های علمی و ترویجی، سطح درآمد پایین، ...)، عوامل خانوادگی (شامل جایگاه پایین زنان روستایی در خانواده در تصمیم‌گیری‌ها، بعد خانوار و حجم زیاد فعالیت‌های داخل و خارج منزل، اعتقادات مذهبی و آداب و سنن خانوادگی است (آجیلی و شیری، ۱۳۸۰: ۳). برخی دیگر از محققان، عوامل محدودکننده مشارکت زنان را موانع فرهنگی، عدم دسترسی به ابزارهای مورد نیاز برای فعالیت‌های تولیدی، فقدان مهارت، کمبود منابع مالی و کارآموزی‌های فنی و حرفه‌ای و عدم اعتماد به نفس و احساس خود کم‌بینی در بین زنان روستایی مطرح نموده‌اند (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰: ۲۶۷). اما در مجموع مشارکت اقتصادی زنان روستایی به خصوص در زمینه‌ی کشاورزی به و یژگی‌های فردی، تعداد فرزندان، ساعت کار، و وضعیت و نوع کار، درآمد خانوار، مالکیت ارضی، نوع نظام بهره‌برداری، درجه مکانیزاسیون و غیره بستگی دارد (خانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

برای بهبود وضعیت اقتصادی زنان روستایی نظریه‌های متعددی از جمله فقرزدایی، برابری (عدالت)، رفاه و توانمندسازی مطرح شده است (شعبانعلی فمی، ۱۳۷۴: ۲۶) ولی نظریه توانمندسازی به دلیل تاکید بر مشارکت زنان و توسعه از پایین بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در این نظریه زنان خودشان توانمند می‌شوند و اعتماد به نفس را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل منابع دفاع می‌کنند (شکوری و دیگران، ۱۳۸۶: ۴). این نظریه ارتقاء موقعیت زنان را از طریق توزیع مجدد قدرت در بین خانواده و اجتماعات مختلف مورد تاکید قرار می‌دهد، زیرا در نهایت به خودتکایی زنان منجر می‌شود (محمدی و احمدی، ۱۳۸۶: ۱۸۸).

امروزه اعتقاد بر این است که آموزش و ترویج ایده‌های نو، مکانیسم‌های اصلی در ارتقای آگاهی زنان کشاورز و تشویق آنان به پذیرش روش‌های تولیدی موثر و آقع شده (شادی‌طلب، ۱۳۷۵: ۲۰۳) و می‌تواند باعث بهبود بهره‌وری، افزایش درآمد زنان، افزایش رفاه و آسایش خانواده‌های روستایی گردد (آبادیخواه، ۱۳۷۶: ۵۰-۵۱). یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای به ثمر رساندن تلاش‌های زنان روستایی و توانمندسازی آن‌ها، تعریف فعالیت‌های اشتغال آنان در قالب شرکت‌های تعاونی روستایی است از همین رو در سال ۱۳۷۳ از سوی سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، اساسنامه تشکیل شرکت‌های تعاون روستایی زنان تنظیم شد و به تصویب مسئولان مربوط رسید؛ سپس دستور تشکیل این تعاونی‌ها به کلیه استان‌های کشور ابلاغ شد. از اهداف عمده و اختصاصی آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- اقتصادی: بهره‌وری و بازدهی عوامل تولید به ویژه نیروی کار زنان و دختران روستایی، افزایش سود سرانه، کاهش هزینه‌های تولید و افزایش درآمد.

۲- اجتماعی : بهبود شاخصهای زندگی، ارتقا سطح رفاه نسبی زنان و دختران روستایی، جلب مشارکت حقیقی زنان و رضایت از کار و زندگی و بسط روابط مبتنی بر همکاری و همیاری متقابل بین آنان.

۳- فنی : ایجاد زمینه مناسب برای آشنایی زنان روستایی با فن آوری نوین، علوم جدید کشاورزی و غیره....
به منظور دستیابی به اهداف فوق، از طرف دفتر ترویج فعالیتهای زنان روستایی و با حمایت های دفتر امور زنان ریاست جمهوری، اساسنامه خاص تعاونی های زنان روستایی مشتمل بر ۷۶ ماده و ۳۹ تبصره در دی ماه ۱۳۷۲ به همت سازمان مرکزی تعاون روستایی در وزارت کشاورزی تهیه و تصویب شد و فعالیتهای سازمان های مذکور برای فراهم نمودن امکان ایجاد تعاونی ها به وسیله زنان روستایی آغاز گردید (معروفی و توحید، ۱۳۷۷ : ۱۵). براساس آمار موجود تا سال ۱۳۸۸، ۲۳۱ شرکت تعاونی روستایی زنان در سراسر کشور با بیش از ۲۵۰۰۰ عضو، پس از انجام مطالعات مقدماتی تشکیل و ثبت و راه اندازی گردیده است، اما در سطح شهرستان بناب متأسفانه شرکت تعاونی خاص زنان روستایی، علی رغم اهمیتی که دارند تاکنون تشکیل نشده است.

با توجه به مباحث ذکر شده و مطالعات تجربی و نظری نویسندگان، وضعیت مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی و تأثیر عوامل مختلف تأثیر گذار بر مشارکت آنان در مدل (۱) آمده است.

شکل (۱) تأثیر عوامل فردی و خانوادگی و سازمانی بر میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی



منبع : یافته های نظری تحقیق

۵- روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر روش شناسی کمی و کار بردی و به روش توصیفی - همبستگی انجام گرفته، زیرا علاوه بر شناخت و توصیف میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای مختلف کشاورزی و شناسایی عوامل و موانع مشارکت، به تحلیل و همبستگی روابط بین متغیرهای مؤثر بر میزان مشارکت آنان نیز پرداخته شده است. با استفاده از مقابله داده ها، سوالات تحقیق ارزیابی شده است. گردآوری داده ها و اطلاعات به دو روش کتابخانه ای و میدانی صورت گرفته که در روش میدانی از تکنیک های مشاهده (غیرمشارکتی و علنی)، پرسشنامه از زنان روستایی، حجم نمونه با طرح سوالات باز و بسته (دو گزینه ای و چند گزینه ای) و استفاده از طیف لیکریت ۵ گزینه ای انجام شده است. متغیر وابسته تحقیق، میزان مشارکت زنان روستایی در کشاورزی است و متغیرهای مستقل عبارتند از: عوامل فردی (سن، سواد، وضعیت تاهل، سهم زن از درآمد خانوار)، عوامل خانوادگی (بعد خانوار، درآمد خانوار، میزان مالکیت خانوار از اراضی زراعی و باغی و تعداد دام)

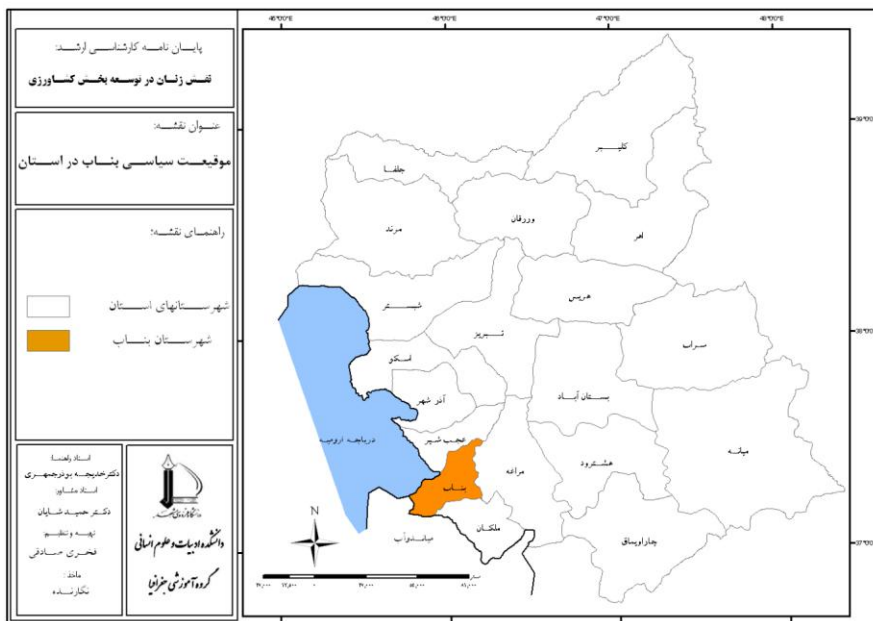
عوامل سازمانی (عملکرد کلاس‌های آموزشی - ترویجی سازمان جهاد کشاورزی و شرکت‌های تعاون روستایی).

جامعه‌ی آماری پژوهش، دهستان‌های بناجوی شمالی و بناجوی شرقی از شهرستان بناب آذربایجان شرقی است. انتخاب این محدوده مطالعاتی به دلیل فعالیت بیشتر زنان روستایی در امور کشاورزی است. بنابه اطلاعات جهاد کشاورزی شهرستان، فعالیت کشاورزی زنان در ۸ روستای منطقه بارزتر است که این روستاها برای تحقیق انتخاب شدند: قره چپق، آخوند قشلاق، روشت بزرگ و کوچک، خلیلوند، علی خواجه، صور و توتاخانه. این ۸ روستا براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ مجموعاً دارای ۴۳۵۳ خانوار بودند. زنان سرپرست این تعداد خانوار به عنوان واحد تحلیل آماری در نظر گرفته شدند. در این پژوهش از نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده است و با فرمول کوکران حجم نمونه تعیین گردیده است، با فرض حدود اطمینان $t=1.96$ ، ضریب دقت $d=0.05$ و نسبت وجود صفت $p=0.5$ ، جامعه آماری $N=4353$ ، تعداد حجم نمونه $n=353$ برآورد شده است.

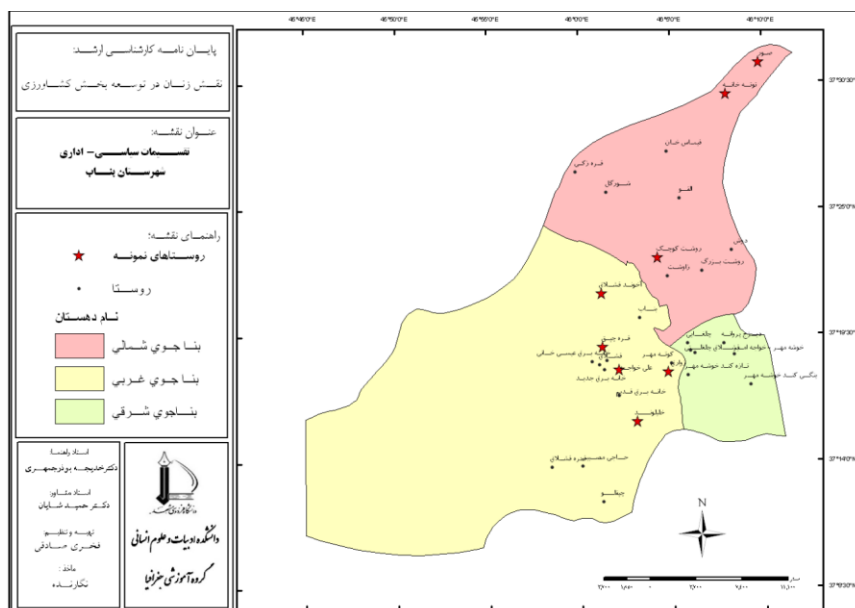
۶- معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان بناب در جنوب آذربایجان شرقی قرار دارد، حدود شمالی، غربی و شرقی آن را شهرستان مراغه می‌پوشاند. شهرستان ملکان در جنوب آن قرار دارد و از سمت غرب به دریاچه ارومیه منتهی می‌شود و شهر بناب در فاصله‌ی ۸ کیلومتری این دریاچه واقع شده است (نقشه شماره ۱). کوچک‌ترین شهرستان استان است که با وسعت ۷۹۰ کیلومتر مربع، ۱/۷ درصد مساحت استان را تشکیل می‌دهد (طرح جامع شهر بناب، ۱۳۷۷: ۳).

طبق سرشماری ۱۳۸۵، شهرستان بناب دارای یک بخش و یک نقطه‌ی شهری (شهر بناب) و سه دهستان (بناجوی شمالی و بناجوی غربی و بناجوی شرقی) و ۳۰ روستای دارای سکنه می‌باشد. نقشه شماره (۲) تقسیمات اداری - سیاسی شهرستان بناب و موقعیت آبادی‌ها و روستاهای نمونه را نشان می‌دهد. از کل جمعیت ۱۲۵۲۰۹ نفری شهرستان حدود ۴۰ درصد در نواحی روستایی و بقیه در شهر بناب سکونت دارند. نسبت جنسی در دهستان بناجوی شمالی، پایین و حدود ۹۸ است و لی در دو دهستان دیگر نرمال و در حدود ۱۰۳ و ۱۰۴ می‌باشد. در این تحقیق دو دهستان بناجوی شمالی و شرقی با جمعیت ۲۴۲۶۸ نفر و تعداد ۸ روستا به دلیل فعالیت بیشتر زنان در کشاورزی انتخاب شدند. از بین روستاهای نمونه، در آخوند قشلاق، قره چپق، روشت کوچک و زوارق، شرکت‌های تعاونی دایر شده است و ۱۴۶ نفر از زنان حجم نمونه (۴۱ درصد) نیز در آنها عضویت دارند. ولی هنوز شرکت تعاونی روستایی خاص زنان در منطقه تاسیس نشده است.



شکل شماره (۱): نقشه‌ی موقعیت سیاسی شهرستان بناب در استان آذربایجان شرقی



شکل شماره (۲): نقشه‌ی تقسیمات سیاسی - اداری شهرستان بناب به تفکیک دهستان‌های سه‌گانه

۷- یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاصل از تحقیقات میدانی عبارتند از: الف - میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف کشاورزی برحسب مراحل مختلف تولید (متغیر و ابسته). ب - عوامل فردی (سن و سواد و سهم درآمد زنان ...). ج - عوامل خانوادگی (بعد خانوار، درآمد خانوار و... میزان مالکیت زمین و دام و ..). د - سازمانی (شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی و ترویجی و عضویت آنان در شرکت‌های تعاونی روستایی). هر یک از موارد مذکور به عنوان متغیرهای مستقل، به شرح زیر تبیین و تحلیل می‌شوند.

الف- میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی (متغیر و ابسته):
طبق تحقیقات میدانی مشخص گردید که از ۳۵۳ زن روستایی مورد مطالعه، ۷۱/۱ درصد در امور زراعی، ۳۴/۸ درصد در دامداری و ۳۴/۶ درصد در امور باغداری و ۲۱ درصد در صنایع دستی (قالی بافی) مشارکت دارند و میانگین مشارکت آنان ۳۴.۶ به دست آمده است. این مشارکت در برخی از مراحل مانند برداشت محصولات زراعی به ۷۱ درصد می رسد. در جداول (۱) و (۲) میانگین مشارکت زنان روستایی منطقه در امور مختلف کشاورزی (زراعت، باغداری، دامداری و صنایع دستی) و بر حسب مراحل مختلف تولید تهیه و تنظیم شده است.

جدول (۱) میانگین مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای زراعی و باغی (درصد)

فعالیت های مختلف	مشارکت	مراحل تولید	
مرز بندی و پل بندی، شخم زنی و کود دهی	۲۲/۴	قبل از کاشت	میانگین مشارکت در زراعت ۴۶٪
بوجاری و ضد عفونی بذر، بذر پاشی	۳۰/۷۵	کاشت	
آبیاری، و جین، سم پاشی، کود دهی و غیره	۴۸/۰۴	داشت	
درو، خرمن کوبی، بسته بندی، حمل به انبار	۷۱/۱	برداشت	
فرآوری محصولات تولیدی	۴۳/۹	فرآوری	
نگهداری محصولات مصرفی و فروشی	۵۷/۲	نگهداری	
بازار یابی، فروش و غیره	۴۹/۶	فروش	
کانال کشی و مرز بندی، شخم زنی و کود دهی	۱۴/۲	قبل از کاشت	میانگین مشارکت در باغداری ۲۲٪
کاشت نهال و غیره	۱۵	کاشت	
هرس، آبیاری، سم پاشی، کود دهی و پیوند زنی	۲۱/۱۷	داشت	
چیدن میوه، بسته بندی، حمل به انبار و غیره	۳۴	برداشت	
فرآوری محصولات تولیدی	۲۴/۹	فرآوری	
بازار یابی، فروش و غیره	۲۳/۸	فروش	

منبع: مطالعات میدانی تابستان ۱۳۸۸

جدول (۲) میانگین مشارکت زنان در فعالیتهای دامداری و صنایع دستی (درصد)

صنایع دستی - قالی بافی (درصد)		دامداری (درصد)	
۳۹/۷	تهیه مواد اولیه	۱۴/۱۵	چرای دام
۵۴/۸	بستن دار قالی	۲۸/۶	تغذیه دستی و تهیه علوفه
۱۰۰	بافت قالی	۳۴/۸	دوشیدن شیر و تهیه لبنیات
۴۳/۳	پرداخت قالی	۹/۳۲	پشم چینی و ریسندگی
۲/۷	بازاریابی و فروش	۲۳/۷	نظافت طویله
-	-	۳۲/۴۵	تیمارداری و زایمان دام

صنایع دستی - قالی بافی (درصد)		دامداری (درصد)	
-	-	۱۴/۱۶	فروش محصولات دامی
۴۸/۱	میانگین مشارکت	۲۲/۴	میانگین مشارکت

ب- عوامل فردی:

از مجموع ۳۵۳ زن روستایی حجم نمونه، ۸۲ درصد متأهل و بقیه مجرد، مطلقه و بیوه می‌باشند. میانگین سنی آنان ۳۷ سال که اکثریت (۷۴ درصد) ۲۲ تا ۴۷ ساله‌اند. حدود ۲۹ درصد آنان بیسوادند، از بین باسوادان، ۳۸/۸ درصد ابتدایی، ۱۷/۸ درصد سیکل و ۱۴/۸ دارای تحصیلات دیپلم و بالاترند. میانگین سهم زنان در تولید درآمد ماهانه خانوار ۱۴۳۴۹۸ تومان است و این مبلغ به عنوان دستمزد به آنان پرداخت نمی‌شود بلکه فقط سهم زنان را در تولید درآمد خانوار نشان می‌دهد.

ج- عوامل خانوادگی:

میانگین بعد خانوارهای مورد بررسی برابر ۴/۹۳ که بین حداکثر ۱۹ نفر و حداقل یک نفر است و میانگین درآمد ماهانه آن‌ها حدود ۴۰۸ هزار تومان به دست آمده است که بین حداکثر یک میلیون تومان و حداقل ۱۵۰ هزار تومان متغیر است که اگر با میانگین سهم زنان از درآمد خانوار بسنجیم، مشخص می‌شود که زنان در تامین ۳۵ درصد درآمد ماهانه خانوار موثرند. همچنین ۳۴/۶ درصد از خانوارهای مورد بررسی فاقد زمین زراعی ملکی (آبی) هستند و میانگین مالکیت اراضی ۳ هکتار است که بین ۱۲۰ هکتار و ۰/۵ هکتار متغیر است و اکثریت آن‌ها (۵۶ درصد) ۰/۵ تا ۵ هکتار زمین آبی دارند. میانگین مالکیت اراضی باغی خانوارها، ۱ هکتار است و لی اکثریت آن‌ها (۸۹ درصد) ۰/۵ هکتار باغ دارند. میانگین مالکیت دام ۴ رأس و ۷۰ درصد آنان کمتر از ۱۰ رأس دام در اختیار دارند.

د - عوامل سازمانی:

برگزاری کلاس‌های آموزشی، ترویجی جهاد کشاورزی و عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی به عنوان یکی دیگر از متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است که نقش آموزش و عضویت در تعاونی‌ها را در امر مشارکت بررسی و تحلیل می‌شود: از کل زنان نمونه مورد بررسی ۱۹۸ نفر (۵۶ درصد) در کلاس‌های آموزشی - ترویجی شرکت کرده‌اند و برای بقیه که تعدادشان ۱۵۵ نفر است، موانع مختلفی برای شرکت وجود داشته است. چنانچه جدول (۳) نشان می‌دهد، حجم کارهای داخل منزل، اشتغال به امور کشاورزی، بیسوادی زنان و عدم اطلاع از اهمیت و نقش کلاس‌های آموزشی - ترویجی، بیشترین مانع بوده است. ضمناً از زنان مورد بررسی، ۱۴۶ نفر (۴۱ درصد) عضو شرکت‌های تعاونی روستاهای منطقه خود بوده‌اند.

جدول (۳): موانع شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی - ترویجی جهاد کشاورزی شهرستان بناب

موانع مشارکت	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد
دور بودن محل تشکیل کلاس‌ها	۲/۸۱	۱/۲۵	۰/۰۸۷
حجم کارهای امور منزل	۳/۸۷	۰/۹۶۰	۰/۰۶۶
حجم کارهای در امور کشاورزی	۳/۴۹	۱/۱۳۶	۰/۰۷۹
تمسخر اهالی روستا	۲/۵۳	۱/۱۷۷	۰/۰۸۱
ممانعت مردان	۲/۹۱	۱/۳۰۹	۰/۰۹۱

خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	موانع مشارکت
۰/۰۸۱	۱/۱۷	۲/۸۳	نامناسب بودن برنامه
۰/۰۸۳	۱/۱۹	۳/۲۳	بی سواد و کم سواد زنان
۰/۰۸۶	۱/۲۴۱	۲/۶۰	مرد بودن آموزشگران
۰/۰۹۴	۱/۳۶	۲/۶۷	اختصاص کلاسها به مردان
۰/۰۸۳	۱/۱۹	۳/۲۶	عدم اطلاع زنان از اهمیت کلاسها
۰/۰۸۲	۱/۱۸	۳/۱۹	عدم اعتماد بنفوس زنان

پاسخ پرسش اول تحقیق:

با توجه به یافته‌های آماری مشخص گردید که زنان روستایی منطقه در امور کشاورزی مشارکت زیادی دارند و مشارکت آنان در فعالیتهای زراعی و دامی بیشتر است. زیرا با روش t تک نمونه‌ای و طیف ۵ گزینه‌ای لیکریت (مشارکت خیلی زیاد = ۵، زیاد = ۴، متوسط = ۳، کم = ۲، خیلی کم = ۱) میانگین مشارکت زنان ۳/۵۴ بدست آمد که چون از عدد ۲/۵ به عنوان میانه نظری برای ارزیابی مشارکت آنها در فعالیتهای کشاورزی بالاتر و اختلاف معناداری وجود دارد ($p \leq 0/05$). بنابراین سطح مشارکت زنان روستایی مورد مطالعه بین متوسط تا زیاد ارزیابی می‌شود جدول‌های (۳) و (۴). همچنین طبق نتایج جدول‌های (۱) و (۲) بیشترین مشارکت زنان به ترتیب در امور زراعی، دامداری، باغداری و صنایع دستی است.

جدول (۳): میانگین مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی

خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد زنان
۰/۰۶۰	۱/۱۴	۳/۵۴	۳۵۳

جدول (۴): آزمون میانگین مشارکت زنان روستایی حجم نمونه در فعالیتهای کشاورزی

فاصله اطمینان ۰.۹۵	تفاوت میانگین		معناداری (۲دامنه)	Df	T	استاندارد آزمون ۲/۵
	بالا	پایین				
۰/۹۳۰	۱/۰۴۹	۱/۱۶۴	۰.۰۰	۳۵۲	۱/۷۲۶	

پاسخ پرسش دوم تحقیق:

یعنی عوامل موثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی مشخص گردید که عوامل فردی و خانوادگی و سازمانی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مشارکت آنان است. برای یافتن رابطه همبستگی بین متغیر وابسته‌ی میزان مشارکت زنان و متغیرهای مستقل سن، سواد، بعد خانوار، درآمد و مالکیت از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج حاصل به شرح زیر می‌باشد:

بین میزان مشارکت در کشاورزی و سن زنان رابطه معنادار مثبت (ضریب همبستگی ۰/۱۸۲** و ۰/۰۰۱) است، اما بین سطح سواد و میزان مشارکت رابطه معنی‌دار ولی منفی است (ضریب همبستگی ۰/۱۷۳- و ۰/۰۰۱**). یعنی با افزایش سطح سواد، میزان مشارکت زنان کاهش ولی با افزایش سن، مشارکت

بیشتر می‌شود. نتیجه دیگر آن که سهم زنان از درآمد خانوار نقشی در میزان مشارکت آنان نداشته و رابطه معناداری نیست (ضریب همبستگی $0/001$ و $sig=0/984$).

از متغیرهای خانوادگی، بین بعد خانوار و میزان مشارکت زنان رابطه معناداری مثبت و جود دارد (با ضریب همبستگی $0/124$ * و $sig=0/20$). همچنین بین میزان مالکیت (اراضی زراعی، باغی و تعداد دام) خانوار و میزان مشارکت زنان رابطه معنادار مثبت و قوی و جود دارد. ولی بین درآمد ماهانه خانوار و میزان مشارکت زنان رابطه معناداری بدست نیامد جدول (۵).

جدول شماره (۵): رابطه همبستگی مشارکت زنان روستایی و عوامل فردی و خانوادگی

مشارکت	سن زن	سواد زن	بعد خانوار	درآمد خانوار	سهم درآمد زن	زمین آبی	میزان باغات	تعداد دام
ضریب پیرسون	** $0/182$	** $0/173$	* $0/124$	$0/037$	$0/001$	** $0/152$	** $0/280$	** $0/172$
Sig(2-tailed)	$0/001$	$0/001$	$0/20$	$0/484$	$0/984$	$0/004$	$0/000$	$0/001$
تعداد	۳۵۳	۳۵۳	۳۵۳	۳۵۳	۳۵۳	۳۵۳	۳۵۳	۳۵۳

* و ** فاصله اطمینان $0/95$ و $0/98$

نتایج به دست آمده در مدل تحلیل همبستگی، بین متغیرهای مشارکت زنان و شرکت در کلاس‌های آموزشی، حاکی از عدم وجود رابطه بین آنهاست جدول (۷). برای ارزیابی موانع و مشکلات شرکت زنان روستایی در کلاس‌های آموزشی - ترویجی از ۱۱ شاخص استفاده شده است - این شاخص‌ها با توجه به طیف ۵ گزینه‌ای لیکریت بوده است - براساس آزمون t استودنت عدد $2/5$ به عنوان میانه نظری پاسخ‌ها با میانگین موانع شرکت در کلاس‌ها مقایسه گردید. با توجه به نتایج جدول (۶) ملاحظه می‌شود که بین همه‌ی شاخص‌ها به جز تمسخر اهالی و مرد بودن آموزش‌گران، با میانه عدد نظری ($2/5$) اختلاف معناداری و جود دارد ($p < 0/05$). در این میان، حجم زیاد کارهای داخل منزل و اشتغال به امور کشاورزی، عدم اطلاع از اهمیت آموزش، بیسوادی و یا کم‌سوادی و ضعف اعتماد بنفس زنان، تاثیر بیشتری داشته است. تحقیقات اردکانی نیز نشان می‌دهد که بیسوادی و کم‌سوادی زنان روستایی، یکی از عوامل عمده‌ی عدم مشارکت آنها در برنامه‌های ترویجی است (اردکانی، ۱۳۸۵: ۳۲). همچنین بین میزان مشارکت زنان و عضویت آنان در شرکت‌های تعاونی روستایی نیز رابطه معناداری به دست نیامد جدول (۷). در جدول (۸) میانگین سهم زنان از درآمد خانواده با توجه به عضویت یا عدم عضویت آنها در تعاونی‌ها مقایسه شده است و چنان که جدول (۹) نشان می‌دهد، بین گروهی که در تعاونی‌ها عضوند و گروهی که عضو نیستند از لحاظ سهم درآمد تفاوت معناداری و جود ندارد. یعنی تعاونی‌ها نقشی در افزایش درآمد زنان نداشته است.

جدول (۶): آزمون تحلیل موانع شرکت زنان روستایی در کلاس‌های آموزشی - ترویجی

استاندارد آزمون $2/5$						موانع مشارکت
فاصله اطمینان $0/95$		تفاوت میانگین	معناداری ۲ دامنه	Df	T	
پایین	بالا					
۱/۷۲	۱/۵۰	۱/۶۱۳	...	۳۵۳	۲۹/۱۹	کل
۱/۵۰	۱/۲۴	۱/۳۷۱	...	۳۵۳	۲۰/۶۵	حجم زیاد کاری منزل
۱/۱۴	۰/۸۳	۰/۹۸۸	...	۳۵۳	۱۲/۵۷	حجم زیاد امور کشاورزی
۰/۱۹	۰/۱۳	۰/۰۲۶	۰/۷۴۷	۳۵۳	۰/۳۲	تمسخر اهالی

استاندارد آزمون ۲/۵						موانع مشارکت
فاصله اطمینان ۹۵٪		تفاوت میانگین	معناداری ۲ دامنه	Df	T	
پایین	بالا					
۰/۴۹	۰/۱۴	۰/۰۳۱	...	۳۵۳	۳/۵۹	فاصله زیاد از کلاس‌ها
۰/۵۹	۰/۲۴	۰/۴۱۴	...	۳۵۳	۴/۵۹	ممانعت مردان
۰/۴۹	۰/۱۷	۰/۳۲۸	...	۳۵۳	۴/۵۷	عدم تناسب برنامه‌ها
۰/۸۹	۰/۵۷	۱/۷۳۰	...	۳۵۳	۴/۰۴	کم سوادى زنان
۰/۲۷	۰/۰۷	۰/۰۹۸	۰/۲۵۴	۳۵۳	۸/۷۹	مرد بودن آموزش‌گران
۰/۳۵	۰/۰۲	۰/۱۶۵	...	۳۵۳	۱/۱۴	اختصاص آموزش به مردان
۰/۹۳	۰/۶۰	۰/۷۶۳	...	۳۵۳	۱/۷۵	عدم اطلاع زنان از کلاس‌ها
۰/۸۵	۰/۵۳	۰/۶۸۷	...	۳۵۲	۹/۲۴	عدم اعتماد بنفس زنان

منبع: یافته‌های میدانی ۱۳۸۸

جدول (۷): رابطه همبستگی مشارکت زنان در کشاورزی و شرکت در کلاس‌های آموزشی - ترویجی و تعاونی‌های روستایی

عضویت در تعاونی	شرکت در کلاس‌های آموزشی - ترویجی	رابطه همبستگی.	مشارکت
۰/۱۰۰	۰/۰۲۸	همبستگی پیرسون	
۰/۰۶۰	۰/۶۰۰	Sig(2-taile)	
۳۵۳	۳۵۳	تعداد	

جدول (۸): میانگین سهم درآمد زنان و عضویت آنان در شرکت‌های تعاونی روستایی منطقه

خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد زنان	وضعیت زنان
۰/۰۷۱	۰/۸۵۴	۱/۵۸	۱۴۶	عضویت
۰/۰۶۱	۰/۸۷۲	۱/۷۱	۲۰۷	عدم عضویت

جدول (۹): آزمون معناداری سهم زنان از درآمد خانوار با توجه به عضویت در شرکت‌های تعاونی

آزمون t							با فرض برابری و آریانس
فاصله ۰/۹۵ اطمینان تفاوت		انحراف معیار	تفاوت میانگین	معناداری ۲ دامنه	Df	T	
پایین	بالا						
۰/۰۴۹	-۰/۳۱۹	۰/۰۹۳	-۰/۱۳۵	۰/۱۵۰	۳۵۱	-۱/۴۴۳	با فرض برابری و آریانس
۰/۰۴۸	-۰/۳۱۸	۰/۰۹۳	-۰/۱۳۵	۰/۱۴۹	۳۱۶/۳۳۱	-۱/۴۴۸	با فرض عدم برابری و آریانس

به منظور تشخیص این که کدام یک از متغیرهای مستقل در میزان مشارکت زنان در کشاورزی موثرتر بوده است از روش رگرسیون گام به گام استفاده شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد، شاخص تعداد مالکیت دام، میزان مالکیت باغات (هکتار) و سن زنان به ترتیب با ضریب تعیین ($R2=0/122$ و $R2=0/5$ و $R2=0/078$) بیشترین تاثیر را داشته است (جدول ۱۰).

جدول (۱۰): ابعاد و ارد شده و سهم هر بعد در مدل رگرسیون گام به گام

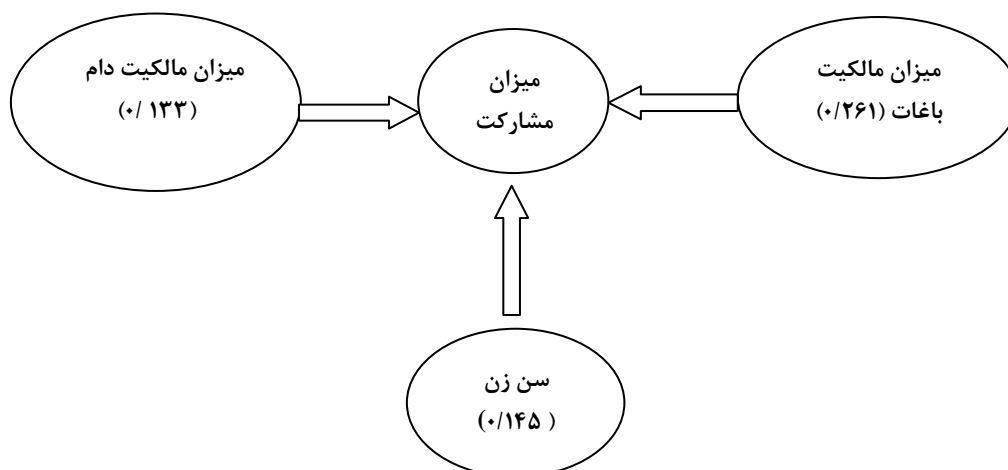
مراحل	ابعاد و ارد شده به مدل در هر مرحله	ضرایب تعیین (R^2)	سهم هر بعد در تعیین بعد و ابسته
گام اول	میزان مالکیت باغات (هکتار)	۰/۰۷۸	۰/۰۷۶
گام دوم	سن زن	۰/۱۰۵	۰/۱۰۰
گام سوم	میزان مالکیت دام (راس)	۰/۱۲۲	۰/۱۱۵

جدول (۱۱): ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی تاثیر عوامل بر سطح مشارکت و تعیین اهمیت نسبی آن

ابعاد و ارد شده	ضرایب رگرسیون (β)	ضرایب رگرسیون استاندارد (β)	خطای استاندارد	مقدار t	سطح معنی داری
ضریب ثابت	۷/۸۷۹	-	-	۶/۶۴۲	۰/۰۰۰
مالکیت باغات (هکتار)	۰/۷۸۸	۰/۲۶۱	۰/۱۵۲	۵/۱۵۲	۰/۰۰۰
سن زن	۰/۰۸۵	۰/۱۴۵	۰/۰۳۰	۲/۸۵۶	۰/۰۰۵
مالکیت دام (راس)	۰/۰۲۴	۰/۱۳۳	۰/۰۰۹	۲/۶۰۸	۰/۰۱۰

مدل شماره (۲) اهمیت نسبی عوامل تاثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت کشاورزی را نشان می‌دهد. مقدار بتای بدست آمده برای شاخص مالکیت دام نشان می‌دهد که تغییر یک واحد در مالکیت دام به اندازه $0/133$ (بتا) بر روی انحراف معیار میزان مشارکت تاثیر می‌گذارد. البته، میزان مالکیت باغات و سن زن به ترتیب ($0/261$ = بتا و $0/145$ = بتا) بیشترین اثر خالص را در میزان مشارکت داشته است.

مدل (۲): اهمیت نسبی عوامل تاثیرگذار بر میزان مشارکت بر اساس مقادیر استاندارد شده بتا



۸- نتیجه‌گیری

چنان‌که در ادبیات و مبانی تحقیق آمد، زنان روستایی با داشتن تجربه و دانش بومی در زمینه تولید محصولات غذایی، نقش بسیار مهمی در کشاورزی و در نتیجه تولید ۵۰ تا ۶۰ درصد غذای جهان را به عهده دارند (شاهرودی و دیگران، ۱۳۸۵ : ۱۴۴)، (آگهی، ۱۳۸۴ : ۵۳). میانگین مشارکت زنان روستایی ایران نیز حدود ۴۰ درصد برآورد شده است (شادی‌طلب، ۱۳۸۱ : ۲۱۱). در این پژوهش نیز مشخص گردید که میانگین مشارکت زنان روستایی در محدوده مورد مطالعه از طریق فعالیت‌های کشاورزی حدود ۳۵ درصد است و نتایج آزمون t استودنت نشان داد که سطح مشارکت آنان بین متوسط تا زیاد ارزیابی می‌گردد جداول (۳) و (۴). همچنین طبق نتایج جداول (۱) و (۲) بیشترین مشارکت زنان به ترتیب در امور زراعی (۷۱.۱ درصد)، دامداری (۳۴/۸ درصد)، باغداری (۳۴ درصد) و صنایع دستی (قالی‌بافی) است (۲۱ درصد). که این مشارکت در مراحل مختلف تولید متفاوت است به طوری که بیشترین مشارکت در مرحله برداشت است زیرا در منطقه هنوز کاربرد ابزارهای دستی در کشاورزی رایج بوده و بیشتر توسط زنان انجام می‌گیرد.

از نتایج دیگر تحقیق آن که میزان سهمی که زنان در تولید درآمد خانوار دارند ۳۵ درصد است، ولی این مبلغ به عنوان دستمزد به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد و «کارکنان خانوادگی بدون مزد» هستند از این رو تاثیری هم در میزان مشارکت آن‌ها ندارد؛ اما به هر جهت زنان توانایی مشارکت بیشتری در امور کشاورزی دارند و می‌توانند در افزایش درآمد و رفاه خانوار مؤثرتر باشند. اما چنان‌که در تحقیقات دیگران هم آمده موانع و مشکلاتی فراروی فعالیت‌های تولیدی آن‌ها وجود دارد، که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از عوامل فردی (سطح سواد پایین، کمی اطلاعات و آگاهی‌های علمی و ترویجی، سطح درآمد پایین، ...)، عوامل خانوادگی از قبیل جایگاه پایین زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌ها، بعد خانوار و حجم زیاد فعالیت‌های داخل و خارج منزل (آجیلی و شیرینی، ۱۳۸۰ : ۳). موانع فرهنگی، عدم دسترسی به ابزارهای مورد نیاز برای فعالیت‌های تولیدی مانند زمین، مهارت، منابع مالی، فقدان کارآموزی‌های فنی و حرفه‌ای و فقدان کلی اعتماد به نفس و احساس خود کم‌بینی در بین زنان روستایی (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰ : ۲۶۷). در این پژوهش نیز مشخص گردید. از میان عوامل فردی، سن و سواد بر مشارکت زنان مؤثرند به طوری که با افزایش سن، مشارکت افزایش یافته ولی با افزایش سواد، مشارکت کاهش می‌یابد. به عبارتی زنان جوان روستایی که تحصیلات بیشتری دارند، تمایل کمتری به امور کشاورزی نشان می‌دهند و همین‌بالاتر بودن سن کشاورزان، از مشکلات کشاورزی کشور است که باید تمهیدات اساسی در این زمینه صورت گیرد. وجود رابطه مثبت بین بعد خانوار و میزان مشارکت زنان نیز موید همین موضوع است، یعنی مشارکت زنان مسن‌تر - که عمدتاً کم‌سوادترند - در خانوارهای پر جمعیت‌تر، بیشتر است.

از موانع مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های کشاورزی و کسب درآمد، فقدان مهارت و آگاهی‌های کافی فنی و حرفه‌ای و فقدان کلی اعتماد به نفس و وجود احساس خود کم‌بینی در بین زنان روستایی مطرح شده است (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰ : ۲۶۷)؛ لذا تصور می‌شود شرکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی می‌تواند نقش مهمی در توانمندسازی آنان داشته؛ این در حالی است که داده‌های تحقیق نشان داد که گرچه ۱۹۸ نفر (۵۶ درصد) از زنان مورد مطالعه در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند؛ ولی نوع آموزش‌ها و کلاس‌ها از شرایط لازم برخوردار نبوده و تأثیری در میزان مشارکت و افزایش درآمد زنان منطقه نداشته است. مهم‌ترین موانع شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی ترویجی، حجم زیاد کارهای داخل منزل، اشتغال به امور کشاورزی،

بی‌سوادی و کم‌سوادی، عدم اطلاع از اهمیت آموزش‌ها و عدم روحیه اعتماد به نفس زنان عنوان شده است (جدول ۳). هم‌چنین علی‌رغم نقشی که شرکت‌های تعاونی خاص زنان روستایی در توانمندسازی آنان داشته و سبب ارتقای موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فنی آنان می‌گردد ولی در شهرستان بناب تاکنون چنین شرکت‌هایی تأسیس نشده است با این حال تعدادی از زنان روستایی (۴۱ درصد) عضو شرکت‌های تعاونی موجود در روستاهای خود هستند؛ اما عملکرد تعاونی‌های فوق تأثیری بر وضعیت اقتصادی آنها نداشته است و آزمون آماری هم نشان داد که بین مشارکت و عضویت آنان در شرکت‌های تعاونی، رابطه معناداری وجود ندارد.

براساس مدل رگرسیون گام به گام مشخص گردید مهم‌ترین عوامل موثر بر مشارکت زنان، میزان مالکیت اراضی باغی، سن زنان و تعداد دام خانوار بوده است. از آنجا که زنان مسن در این فعالیت‌ها مشارکت بیشتری دارند در جهت توانمندسازی آنها و سایر زنان روستایی کشور موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- توجه به نقش‌های جنسیتی، یعنی نیازها و توانمندی زنان روستایی در برنامه‌ریزی‌های کشاورزی.
- ۲- ضرورت استقرار ارزش پولی بر کار غیر بازاری زنان روستایی در نظام‌های بهره برداری خانوادگی.
- ۳- توجه به نقش و کارکردهای خاص زنان روستایی کشور در فعالیتهای کشاورزی و ایجاد بانک اطلاعاتی از فعالیتهای آنان به منظور برنامه‌ریزی‌های بهتر و دقیق‌تر آموزشی و ترویجی و غیره.
- ۴- از آنجایی که اکثریت زنان روستایی فعال در بخش کشاورزی منطقه (۷۴ درصد) بزرگ‌سالند و میزان بی‌سوادی در آنها بالاست، ضرورت دارد نسبت به وضعیت سواد و تحصیلات آنها توجه بیشتری مبذول شود و از وسایل کمک آموزشی از قبیل نمایش فیلم و سخنرانی و ارائه‌ی نمونه‌های عینی و مزارع نمونه جهت آموزش و ترویج استفاده گردد.
- ۵- به دلیل بالا بودن بعد خانوار در منطقه (۵ نفر)، ادامه سیاست‌های کنترل جمعیت در کاهش حجم کارهای خانه موثر بوده و می‌تواند فرصت بیشتری برای کسب آموزش و دانش‌افزایی زنان فراهم سازد.
- ۶- به منظور افزایش اعتماد به نفس زنان روستایی، آگاه‌سازی آنان نسبت به استعدادها، تجربیات و نقشی که در کشاورزی دارند، از طریق رسانه‌های گروهی و کلاس‌های آموزشی و ترویجی و غیره موثر است.
- ۷- به منظور موفقیت بیشتر برنامه‌های آموزشی و ترویجی زنان روستایی ضروری است اولاً این برنامه‌ها براساس درک نیازها و اولویتهای آنان تدوین گردد و از منابع محلی و مروجین زن به ویژه تسهیل‌گران زن روستایی استفاده گردد؛ ثانياً به امر دسترسی زنان به کلاس‌های آموزشی و زمان و مکان مناسب آنها توجه شود.
- ۸- نسبت به ایجاد شرکت‌های تعاونی روستایی خاص زنان و سایر ابزارهای مورد نیاز، نظیر بانک تعاون و اتحادیه‌های کشاورزی در شهرستان بناب اقدامات لازم صورت گیرد.
- ۹- تغییر نگرش جامعه، حمایت ارگان‌های رسمی و دولتی از مشارکت زنان روستایی در کشاورزی و کلیه امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.

۹- فهرست منابع

- آجیلی، عبدالعظیم و شیری (۱۳۸۰)، آموزش زنان روستایی و نقش آن در توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، نشریه دهاتی، شماره ۵۱، صص ۲۸۱-۲۷۵.
- آگهی، حسین (۱۳۸۴)، نقش تعاونی‌ها در بهبود موفقیت زنان در فرایند توسعه، مجموعه مقالات منتخب کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه، قسمت اول (الف - ش)، صص ۵۱-۶۴.
- بوذرجمهری، خدیجه (۱۳۸۳)، شناخت و تحلیل دانش بومی زنان روستایی شهرستان نیشابور و تاثیر آن بر کشاورزی پایدار، رساله‌ی دکتری، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ترکمانی، جواد و میرزایی (۱۳۷۷)، تحلیل اقتصادی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی همراه با دستمزد، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱۵، صص ۴۵-۶۰.
- خانی، فضیله، احمدی، منیژه (۱۳۸۸)، تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی - اجتماعی در مناطق روستایی چیر - یامچی شهرستان زنجان، مجله پژوهش زنان، صص ۹۵-۱۱۳.
- خاتمی، مهتاب (۱۳۸۲)، نقش زنان روستایی در اقتصاد کشاورزی و ضرورت آموزش زنان روستایی، ماهنامه کشت و صنعت، سال ۱۴، شماره ۱۰۸، صص ۱-۳.
- حسینی‌نیا، غلامحسین و ملک محمدی (۱۳۸۰)، بررسی نگرش زنان روستایی به فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، محیط روستا و برنامه‌های آموزشی - ترویجی، مجله آموزش و ترویج، سال ۱۹، شماره ۲۲۱-۲۲۰، صص ۱۵-۷.
- حیدری، غلامرضا و جهان نما (۱۳۸۲)، توانایی‌های زنان در بخش کشاورزی - روستایی، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۶، صص ۱۶۳-۱۲۹.
- زرافشانی، کیومرث و دیگران (۱۳۸۸)، تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری ارنستین، مجله پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۳، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی، (۱۳۸۵).
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۷)، طرح جامع شهر بناب، صص ۳-۵.
- سامع‌پور (۱۳۸۱)، بررسی و وضعیت اشتغال زنان روستایی در زمینه تبدیل فرآورده‌های کشاورزی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۷۵) دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۸، صص ۸۱-۸۹.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱)، توسعه و چالش‌های زنان ایران، نشر قطره، تهران.
- شاهرودی، علی اصغر و دیگران (۱۳۸۵)، تاثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار کشاورزی، ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد، شماره ۱۶۹.
- شکوری، علی و دیگران (۱۳۸۶)، مؤلفه‌های توانمندسازی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۶-۵.

- شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۷۴)، نظریه‌های سیاست‌گذاری برای زنان در جهان سوم، ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد، سال ۱۴، شماره ۱۶۹.
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۷)، عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسایل خانوادگی، مجله پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۵۹.
- فعلی سعید و دیگران (۱۳۸۵)، نقش زنان روستایی در کاهش ضایعات محصولات کشاورزی، مجله آموزش و ترویج، سال ۲۴، شماره ۲۴۰، صص ۱۱-۵.
- معروفی، پروین و لیلا توحید (۱۳۷۷)، تعاونی‌های روستایی زنان و اهداف و فعالیت‌های آن، دفتر ترویج فعالیت‌های زنان روستایی وزارت کشور، تهران.
- محمدی یگانه، بهروز و احمدی (۱۳۸۶)، توسعه پایدار روستایی با تاکید بر نقش زنان، ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد، سال اول، شماره ۲۷۱، صص ۱۵۰-۱۳۸.
- مهربانیان، الهه و سعیده موذنی (۱۳۸۶)، نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی (مطالعه مورد آسیا)، ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد، شماره ۲۸۷، مرداد و شهریور ماه ۱۳۸۶، صص ۱۹۵-۱۷۶.
- Armstrong, E. (2001), **Contingency Plans for the Feminist Revolution**, Available at: www.xanedu
- Botchway, K. (2001), **Paradox of Empowerment**, *World Development*, Vol. 29, NO. 1, PP. 135-153
- Gobayan, I. and Hakobian, L. (2005), **Rural Women Participation in Decision Making in America** (on line).
- Simpson, B.M. (1994), **Gender and the Social Differentiation Local Knowledge**, *IK, Monitor*, 2(3). Available at (on line): www.Umffices
- Olawoye, J. E. (1985), **Rural Women Role in Agriculture production : An Occupational Survey of Women from Six Selected Rural Communities in Oyo Stat.** *Nigerian Journal of Rural Sociology*, vol.2.NO.1.PP:34-39.
- Overholt, C. (1995), **Gender Roles in Development Project**, From: www.mirror.ac.cn/englishforAgriculture/lesson15/read15.htm